



# برای این که آسمان فردا خاکستری نباشد

● محمدعلی شامانی

معاون برنامه‌ریزی مجلات رشد

۲۴۹۱۹۲

پاییز ۱۳۸۷

۱۰

انسان‌ها را می‌توان از دغدغه‌هایشان شناخت. تعلیم و تربیت انسان‌ها، مهم‌ترین دغدغه‌ی انسان‌های بزرگ و ارزشمند است. از همین روست که چنین کار سترگی را هدف بعثت انبیاء دانسته‌اند. نگاه دقیق به عناصر و ابزارهای تعلیم و تربیت، از تأثیر عمیق کتاب به‌ویژه کتاب

آموزشی در اعتلای تعلیم و تربیت یک کشور خبر می دهد. این نگاه دقیق در حوزه‌ی آموزش و پرورش، که امروز تحت عنوان «سامان بخشی کتاب‌های آموزشی» از آن یاد می کنیم، تلاشی بوده است، برای تحقق و نهادینه کردن این نوع نگرش.

آموزش و پرورش مادام العمر یعنی گشودن راهی که تمام انسان‌ها همواره فرصت آموختن داشته باشند. زمانی این فرصت فراگیر می شود که تمام انسان‌ها مفهوم «دانایی» به مثابه‌ی «زندگی» و «خودشکوفایی» را پذیرا باشند. در باورهای دینی ما، پویایی، جست‌وجو و آموختن در حصار زمان و مکان نمی گنجد و حدی برای آن وجود ندارد.

برای زمینه‌سازی نظام آموزش و پرورش مداوم، در دسترس بودن منابع خواندنی لذت‌بخش از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و کتاب گذرگاه ما به جهان دانایی است.

میل و رغبت به خواندن و انس با کتاب، درست زمانی شکل می گیرد که فرزندان ما ناگزیرند، کتاب‌های آموزشی را بخوانند. آیا تاکنون از خود پرسیده ایم، فرزندان ما، خواندن لذت‌بخش، نشاط‌آور و پرهیجان را تجربه کرده‌اند؟ بی تردید، دانایی، نشاط‌آفرین است. یک جامعه‌ی زنده و بالنده همواره در مسیر دانایی است و حرکت در مسیر دانایی، جامعه را زنده و پر نشاط می سازد. از این رو، کتاب به عنوان «گذرگاه» همواره در دسترس، برای گسترش اقلیم دانش و ارتباط با ناشناخته‌ها، بسیار مهم است.

بسیاری معتقدند علی‌رغم حضور رسانه‌های جدید و رنگارنگ، کتاب از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. هرچند کتاب‌هایی با همان مختصات سنتی! در روزگار ما به صورت e-Book با قابلیت‌های بسیار به بازار عرضه شده‌اند، اما کتاب‌های کاغذی، همچنان طرفداران بسیاری دارد.

سؤال پیش رو، سخت و پاسخ به آن ممکن است تلخ باشد. آیا، کتاب‌های ما «خواندنی»، نشاط‌آور، و لذت‌بخش هستند؟ و مهمتر از آن کتاب‌های آموزشی- که در بسیاری از موارد از سوی مخاطبان، با شوق و رغبت انتخاب نمی شوند، می تواند، در فرزندان ما شوق دائمی برای خواندن ایجاد کند؟

کتاب‌های آموزشی خارج از فضای ناگزیر، ارائه شوند، معلوم نیست چقدر خواننده داشته باشند.

و «کنکور» به عنوان تبلور این فضای ناگزیر ما را به بیراهه برده است، که ناهمواری‌های آن، استهلاک پویایی و سرزندگی فرزندانمان را در پی دارد. آن‌ها نمی خوانند که بدانند، نمی خوانند که لذت ببرند، نمی خوانند که...

در این میان مسؤلیت دشواری برعهده‌ی نویسندگان و ناشران- به ویژه حوزه کتاب‌های آموزشی است.

برای این که فردا فرزندان ما مثل تشنه‌ای که در جست‌وجوی آب است. عطش دانایی داشته باشند، باید بسیار دقیق، حساب شده به تولید کتاب‌های آموزشی اقدام کرد.

اگر امروز به فکر فردا و نسل فردا نباشیم اگر امروز نتوانیم نظام تعلیم و تربیت مادام‌العمر را درست پی‌ریزی کنیم، فردا آسمان سرزمینمان خاکستری خواهد بود.